



شهید مظلوم

آیه الله دکتر

بهشتی



مالکیت در اسلام

قسمت سوم

گفته شد که:

مالکیت رابطه است اجتماعی، اعتباری و قرار دادی میان اجتماع که بیانگر مشروعیت تصرف مالک در ملک خویش است، مال چیزی است که دارای ارزش مصرفی مستقیم یا غیر مستقیم باشد و منشأ مالکیت انسان کار مولد که ارزش مصرفی درست کند و حیارت می باشد. مالکیت انسان است.

* سه عامل: مبادله، بخشش و مالکیت قهری، عوامل انتقال مالکیت را تشکیل می دهند.
* انواع مالکیت از نظر اسلام و از نظر اقتصاد دنیای کنونی.

سومین چیزی که منشأ مالکیت است، خدمات است. خدمات عبارت از چیزهایی است که عینیت خارجی ندارد، مانند: طبابت، آمبول زدن، بانسجمان کردن، تدریس معلم و... که در اینگونه موارد، کار موجب بوجود آمدن یک عینیت خارجی نمی شود، بلکه نتیجه و بارده این کار عاید دیگران می شود. مثلاً معلم که به شاگردان درس می دهد، بعد نمی تواند بگوید: من مالک معلومات شما شده ام و هر چه بساد گرفته اید مال من است! بنابراین در خدمات، انسان مالک یک عینیت خارجی که نتیجه کارش باشد (مانند کار مولد) نیست، ولی در عین حال، خدمات، منشأ مالکیت است، یعنی چون انسان مالک خود آن کار است، بنابراین می تواند از طریق مبادله این کار با یک عینیت خارجی قابل تمک، چیزی بدست بیاورد. این از نظر فطری و اجتماعی بود، از نظر فقهی نیز در اینجا اعتبار مالکیت می شود. بنابراین یکی از سرچشمه های مالکیت

خدمات، یعنی کارهای خدمتی است. نا اینجاست نوع کار را بعنوان منشأ مالکیت معرفی کردیم:

- ۱- کار تولیدی (که نقش مهمی دارد)
- ۲- کار حیارتی (که از نظر کار بودن، نمی شود چندان روی آن حساب کرد، زیرا در واقع برداشت سهم انسان از طبیعت است)
- ۳- کار خدماتی.

این سه عامل منشأ مالکیت ابتدایی هستند.

■ سرچشمه های انتقال مالکیت

علاوه بر سه منشأ مالکیت (ابتدائی) که گذشت، سه چیز دیگر نیز منشأ انتقال مالکیت است که ذیلاً نظر خوانندگان محترم می - گذرد:

۱- مبادله

مبادله عبارت از اینست که مثلاً شما چهار تانان دارید، ولی بنیر ندارید. رفیق شما بنیر دارد، اما تانان ندارد. شما یک دانه



نان می دهید و نیم سیرینیرازومی گیرید، و اونیز پنیر می دهد و نان می گیرد.

شما قبل از مبادله، مالک نان بودید و رفیق شما مالک آن پنیر، اما با مبادله، جای مالکیت عوض می شود. شما مالک پنیر می شوید و او مالک نان! (۱)

البته در اینجا فرق نمی کند که مالکیت نان با پنیر، چه منشأ داشته باشد، یعنی خواه کار حیا زنی باشد و خواه کار خدمتی یا تولیدی، زیرا طرفین چیزی را که مبادله می کنند، مالک آن هستند.

۲ - بخشش (هبه)

دومین منشأ انتقال مالکیت، بخشش یا "هبه" است، و فرق آن با مبادله آن است که در مبادله، هر کدام از طرفین چیزی می دهند، اما با بخشیدن یک طرفه است، یعنی شما مالک چیزی هستید و مال خود را به کسی می بخشید و او با بخشش شما، مالک آن چیزی می شود، اما در مقابل آن چیزی عاید شما نمی شود.

۳ - مالکیت قهری

سومین منشأ انتقال مالکیت، انتقال قهری است، انتقال قهری عبارت از ارت و امثال آن است. مثلاً پدری با مادری با همسری از دنیا می رود و اموال او خوب خود به دیگری منتقل می شود و او مالک آن می گردد، منتهی این مالکیت، ابتدائی نیست، بلکه مالکیت انتقالی است که قبلاً مورث مالک چیزی بوده (از طریق کار تولیدی - حیا زنی - خدماتی) و بعد، از طریق ارت، قهراً به ورثه او منتقل می شود.

با توجه به توضیحاتی که داده شد، اگر کسی بگوید: سرچشمه و ریشه مالکیت، کار است، حرف منطبق با اسلام زده است.

■ انواع مالکیت

اکنون باید دید مالکیت در دنیای امروز و نیز از نظر اسلام چند نوع است؟ اصولاً مالکیت از نظر اسلام سه نوع است که ذیلاً توضیح داده می شود:

۱- مالکیت فردی: در این نوع مالکیت انسان خودش کار می کند و مالک محصول کار خودش هست.

۲ - مالکیت عمومی: این نوع مالکیت، عبارت از مالکیت کل انسانهاست، مانند مالکیت نسبت به آبها، زمینها و... که ملک کل بشر است، یا نظیر "اراضی خراجیه" که ملک کل مسلمانهاست، حتی آنهایی که بعداً می آیند و بعداً مسلمان می شوند، اینها مالکیت عمومی است برای عموم انسانها.

۳ - مالکیت گروهی: مالکیت گروهی، عبارت از اینست که مثلاً گروه خاصی با هم شریک بشوند و کاری انجام دهند، یا چیزی را مشاع بخرند و بصورت گروهی مالک آن شوند.

چنانکه گفته شد مالکیت جمعی (عمومی و گروهی) او فردی، هر دو در اسلام برسمیت شناخته شده است. اصل مالکیت فردی در سیستم های کنونی دنیا عموماً برسمیت شناخته شده است. در قانون اساسی شوروی و چین نیز پذیرفته شده است و شامل اموال منقول و غیر منقول نیز می شود، حتی مالکیت خانه و ارت، در قانون اساسی شوروی مصوب سال ۱۹۷۷م (چهارمین قانون اساسی این کشور) برسمیت شناخته شده است (۲)

■ انواع مالکیت در اصطلاح اقتصاد امروز

از نظر اقتصاد دنیای کنونی، مالکیت بر چهار نوع است:

۱- مالکیت عمومی

۲ - مالکیت خصوصی

۳- مالکیت شخصی

۴- مالکیت دولتی

در اقتصاد امروز، مالکیت یک فرد نسبت به غیر ابزار تولید، مالکیت شخصی نامیده می شود. مالکیت یک فرد (باحثی یک گروه) نسبت به ابزار تولید، مالکیت خصوصی نامیده می شود. مالکیت مردم بر زمینها و کوهها و معادن و آبها، مالکیت عمومی می گویند. مالکیت بر اراضی خراجیه را که ملک عام مردم است، ولی دولت باید در آن تصرف کند، مالکیت دولتی می گویند.

■ آثار مالکیت

یکی از آثار مالکیت، حق مصرف کردن است. وقتی که کسی مالک چیزی است، حق دارد آن را مصرف کند، اما باید دید تا چه حد حق مصرف دارد؟ از نظر اینکه مالکیت دارد، حق تصرف نامحدود است و این جواز تصرف ناشی از حکم وضعی (تسلط انسان بر اموال خویش) است، اما اگر به حد اسراف رسید، چنین تصرفی از باب حرمت اسراف جایز نخواهد بود، زیرا اسراف در همه جا حرام است، مثلاً اگر کسی در باغ مردم رفت و به حد اسراف از میوه آن خورد، دو کار حرام مرتکب شده است، و اگر از مال خود به حد اسراف خورد، یک کار حرام بیشتر مرتکب شده است اکنون باید دید انلاف چه حکمی دارد؟ پاسخ این است که انلاف نیز مثل اسراف حرام است. مالکیت، مجوز تصرف است تا مرز انلاف، اما به مرز انلاف که رسید جایز نیست، و هیچکس نمی تواند بگوید: مال، مال خودم است، هر جور دلم خواست در آن تصرف می کنم: ادامه دارد

تصویب رسیده است.

۲ - بدنیت بدانیم که شوروی چهار قانون اساسی داشته است. اولی در سال ۱۹۱۸م، دومی در سال ۱۹۲۴م، سومی در سال ۱۹۳۶م، و چهارمی در سال ۱۹۷۷م به

۱ - البته مقصود از مبادله، مبادله واقعی است و گرنه بقال که توزیع جنس می کند گارش از نوع خدمات است و نمیتوان آنرا مبادله نامید.